

بحثی پیرامون عنصر مادی جرم موضوع ماده ۱۰۰ قانون ثبت

مهدی احمدی جویباری^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. سردفتر اسناد رسمی ۱۶ بابل و کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی.



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرېزینجی
پرتال جامع علوم انسانی

بختی پیرامون عنصر مادی جرم موضوع ماده ۱۰۰ قانون ثبت

از آنجا که موضوع اصلی مورد بحث در ماده ۱۰۰ قانون ثبت، جرم جعل و تزویر در اسناد رسمی است، لذا ابتدا لازم است تعریفی از جعل و تزویر در اسناد رسمی ارائه گردد. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی در تعریف جعل و تزویر چنین آورده است: «جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق و محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب». حال اگر اعمال فوق بر روی اسناد رسمی که دارای ارزش و اعتبار بالایی هستند صورت گیرد، عمل ارتكابی جرم جعل و تزویر در اسناد رسمی محسوب می‌گردد.

هر جرمی برای تحقق نیاز به ۳ عنصر دارد: ۱- عنصر قانونی ۲- عنصر معنوی ۳- عنصر مادی که در صورت فقدان هر یک از عناصر ۳ گانه فوق، جرم به طور کامل محقق نمی‌شود. در مورد جرم جعل و تزویر در اسناد رسمی موضوع ماده ۱۰۰ قانون ثبت نیز وضع به همین منوال است، لکن ما از میان عناصر سه گانه فوق‌الذکر صرفاً به بحث و بررسی پیرامون عنصر مادی جرم موضوع ماده

۱۰۰ قانون ثبت و اجزاء و مصادیق آن در این مقال خواهیم پرداخت. لذا با توجه به تعریف جعل و تزویر و ویژگی‌های اسناد رسمی و طرق ارتکاب جرم جعل و تزویر در اسناد رسمی موضوع ماده ۱۰۰ قانون ثبت می‌توان اجزاء تشکیل‌دهنده عنصر مادی جرم مزبور را به موارد زیر تقسیم کرد:

۱_ قلب حقیقت باید به صورت فعل مثبت مادی در خارج تحقق یابد

اصولاً برای جرم انگاشتن یک عمل، لازم است عمل مزبور در یکی از قالب‌های سه‌گانه ذیل که ناشی از نحوه ارتکاب می‌باشد قرار گیرد:

۱_ جرم به صورت فعل.

۲_ جرم به صورت ترک فعل.

۳_ جرم به صورت فعل ناشی از ترک فعل.

فلذا جرم جعل که همان قلب حقیقت است به طور متقالبانه، صرفاً به صورت جرم فعل قابل تحقق است و در قالب‌های دیگری که فوقاً ذکر شد، قابل تحقق نیست. به عبارت دیگر موقعی عمل ارتكابی را جعل دانسته و جاعل را قابل مجازات می‌دانیم، که به صورت فعل مثبت مادی یا رفتار فیزیکی خارجی در خارج تحقق یابد و دارای آثار ظاهری محسوس و ملموس باشد. فلذا ترک فعل هرچند توأم با قصد سوءبوده باشد هیچ‌گاه نمی‌تواند عنصر مادی جرم جعل و تزویر را تشکیل دهد. بنابراین مراد از اینکه گفته شده قلب حقیقت باید به صورت فعل مثبت مادی در خارج تحقق یابد این است که برای تحقق جرم جعل و تزویر، جرم مورد نظر باید به فعلیت رسیده و باعث اضرار به دیگری گردد که این امر با وسایلی صورت می‌گیرد که موجب تحقق جرم مزبور گردد.

به عنوان مثال طلبکاری که در قبال طلب خود از بدهکار چکی به مبلغ دو میلیون ریال در دست دارد چنانچه به طور متقالبانه و به قصد اضرار به او با

دست بردن در مبلغ چک، مبلغ دو میلیون ریال را با اضافه کردن یک صفر، به بیست میلیون ریال تبدیل نماید، عمل چنین شخصی از مصادیق بارز جعل و تزویر به صورت انجام فعل مثبت مادی که همان اضافه کردن یک صفر به مبلغ دو میلیون ریال مندرج در متن چک می‌باشد، به شمار می‌آید، همچنین سردفتری که عامداً و با علم به اینکه سند ارائه شده جعلی است، اقدام به ثبت چنین سندی بنماید، صرف ثبت چنین سند مجعولی از سوی سردفتر از مصادیق تزویر در اسناد رسمی از طریق ارتکاب فعل مثبت مادی محسوب و مرتکب به عنوان جاعل در اسناد رسمی، به مجازات جعل و تزویر در اسناد رسمی محکوم خواهد گردید.

۲_ قلب حقیقت باید در اسناد رسمی صورت گرفته باشد

موضوع جرم در جرم جعل و تزویر موضوع قانون مجازات اسلامی، در برمی‌گیرد و هم سند را، یعنی به طور اعم هم نوشته‌های رسمی و غیررسمی و هم اسناد رسمی و غیررسمی را شامل می‌شود که جعل و تزویر در هر یک از موارد یاد شده برحسب مورد، مجازات مجزا و متناسب را می‌طلبد، در حالیکه موضوع جرم در جرم جعل و تزویر در اسناد رسمی موضوع ماده ۱۰۰ قانون ثبت، همانطور که از نامش پیداست صرفاً اسناد رسمی را شامل می‌شود فلذا اسناد غیررسمی و سایر نوشتجات از شمول ماده اخیر خارج است. لذا باید گفت برای تحقق جرم جعل و تزویر در اسناد رسمی موضوع ماده ۱۰۰ قانون ثبت، عمل قلب حقیقت باید صرفاً در اسناد رسمی تحقق یابد تا مشمول ماده اخیر گردد. نظر به اینکه اسناد رسمی با رعایت تشریفات خاصی تنظیم می‌گردند قانونگذار برای آن ارزش و اعتبار ویژه‌ای قائل شده که از نتایج آن لازم‌الاجرا بودن اسناد رسمی می‌باشد و این به خاطر تأمین نظم و آسایش جامعه و جلب اعتماد مردم به اسناد رسمی می‌باشد.

بنابراین چنانچه یکی از افراد مذکور در ماده ۱۰۰ قانون ثبت اعم از مستخدمین و اجزاء ثبت اسناد و املاک و یا صاحبان دفاتر رسمی مرتکب قلب حقیقت یا عملیات مزورانه در تنظیم و ثبت اسناد رسمی گردند، اعمال مزبور به عنوان عنصر مادی جعل و تزویر در اسناد رسمی محسوب و مرتکب، مطابق ماده ۱۰۰ قانون ثبت به عنوان جاعل در اسناد رسمی قابل تعقیب و مجازات خواهد بود. به عبارت دیگر مستخدمین و اجزاء ثبت اسناد و املاک و یا صاحبان دفاتر رسمی به محض ثبت کردن اسناد رسمی جعلی یا اسنادی که فاقد شرایط قانونی برای ثبت اسناد رسمی هستند، یعنی ارتکاب هر یک از مصادیق هفت‌گانه مذکور در ماده اخیر از روی عمد، اعمال ارتكابی مزبور عنصر مادی جرم جعل و تزویر در اسناد رسمی را پدید می‌آورند.

در تعریف اسناد رسمی باید گفت، این اسناد مطابق قانون ثبت، اسنادی هستند که صرفاً در دفاتر اسناد رسمی و مطابق قانون به ثبت می‌رسند فلذا عمل جعل و قلب حقیقت در چنین اسنادی است که می‌تواند از مصادیق عنصر مادی جرم جعل و تزویر موضوع ماده ۱۰۰ قانون ثبت قرار گیرد، مضافاً اینکه اسناد رسمی که در ادارات ثبت اسناد و املاک توسط مستخدمین و کارکنان این ادارات تنظیم شده و در دفاتر ثبت املاک و دفاتر دولتی به ثبت می‌رسند چنانچه عمداً از سوی این قبیل افراد مورد جعل و قلب حقیقت قرار گیرند و من غیرحق و برخلاف مقررات قانونی تنظیم شده و به ثبت برسند، چنین مستخدمینی نیز مشمول مقررات ماده ۱۰۰ قانون ثبت شده و به عنوان جاعل در اسناد رسمی به مجازات جعل و تزویر در اسناد رسمی محکوم خواهند گردید چرا که در این مورد عمل قلب حقیقت در اسناد رسمی که از مصادیق عنصر مادی جرم مزبور می‌باشد تحقق یافته است.

۳ - طرق ارتکاب جعل مادی موضوع ماده ۱۰۰ قانون ثبت

از میان موارد هفت‌گانه مندرج در ماده ۱۰۰ قانون ثبت، تنها مورد پنجم ماده مذکور را می‌توان از مصادیق جعل مادی در اسناد رسمی به شمار آورد و موارد

شش گانه دیگر، جزء جعل معنوی در اسناد رسمی می‌باشند. چرا که مقنن در مورد پنجم ماده اخیر بیان می‌دارد: «تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت را معدوم یا مکتوم کند یا ورقی از آن دفاتر را بکشد یا به وسایل متقلبانه دیگری ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بیاندازد.» و چنانکه می‌دانیم جعل مادی عبارتست از تحریف حقیقت با عملی مادی ضمن باقی ماندن اثر خارجی مادی جعل در نوشته یا سند و غیر آن. در مورد پنجم ماده فوق‌الذکر، اعمال معدوم کردن، مکتوم کردن، کندن اوراق از دفاتر، از اعتبار انداختن سند، همه از مصادیق جعل مادی به شمار می‌روند، چرا که قانونگذار در صدر ماده ۱۰۰ قانون ثبت ارتکاب هر یک از موارد هفت‌گانه مذکور در این ماده را از جمله مورد پنجم از مصادیق جرم جعل و تزویر در اسناد رسمی دانسته است. در حالیکه به نظر نگارنده مورد پنجم در این ماده را نمی‌توان جرم جعل دانست چرا که اعمالی چون معدوم کردن سند یا کندن اوراق از دفاتر یا از اعتبار انداختن سند از مصادیق بارز تخریب یا اتلاف سند به شمار می‌آید و می‌بایست مشمول مجازات تخریب و اتلاف اسناد دولتی موضوع مواد ۶۸۱ و ۶۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ می‌گردید نه در قالب مجازات جعل و تزویر در اسناد رسمی. به عبارت دیگر در شق پنجم ماده اخیرالذکر قانونگذار اعمالی را که جعل اصطلاحی نیستند، جعل محسوب نموده است. در خصوص شق پنجم مذکور، یکی از استادان حقوق را نیز عقیده بر این است که معدوم کردن یا کشیدن اوراق دفاتر ظاهراً باید از موارد تخریب سند به شمار آید. حال آنکه قانونگذار مرتکب را در حکم جاعل سند قرار داده است. در خصوص از اعتبار انداختن سند مذکور در شق پنجم ماده ۱۰۰ قانون ثبت نگارنده بر این است که در این مورد دو حالت متصور است: اول اینکه اگر منظور مقنن از بیان این امر، از اعتبار و استفاده انداختن سند با مهر یا وسیله‌ای که بطلان مندرجات یک سند را که به طور صحیح و قانونی تنظیم شده بود من غیر حق و به قصد تقلب و اضرار به غیر مورد نظر قرار داده باشد، در این صورت می‌توان عمل مرتکب را از مصادیق بارز جعل و تزویر در اسناد رسمی دانست چرا که در اینجا

منظور جاعل که همان عمل متقلبانه حقیقت در یک سند است تحقق یافته است یعنی حقیقت موجود را که همان مطالب و مندرجات صحیح و قانونی و دارای اثر موجود در سند می‌باشد، متقلبانه و به قصد اضرار به صاحب سند با مهر «باطل شد» یا وسایل دیگر باطل نموده و بدین طریق سندی را که برای صاحب آن ایجاد حق می‌نموده است با بطلان و از اعتبار انداختن سند مزبور، حق را به ضرر صاحب آن ساقط نموده و بدین طریق موجبات قلب و تحریف حقیقت موجود را که از مصادیق بارز جرم جعل می‌باشد فراهم نموده است. دوم اینکه اگر منظور از بیان «از اعتبار و استفاده انداختن سند»، انجام اعمالی بر روی سند باشد که باعث عدم کارایی و اثبات حق و قابلیت استناد داشتن سند مزبور گردد مانند اینکه کسی جوهری را روی سند بریزد به طوریکه مندرجات آن به کلی ناخوانا شده و دیگر قابل استفاده نباشد یا اعمالی از این قبیل، در این صورت اعمال مزبور را نمی‌توان تحت عنوان جعل در اسناد رسمی به شمار آورد بلکه این اعمال از مصادیق تخریب و اتلاف سند به شمار می‌آیند، به عبارت دیگر چنانچه جوهر یا هر ماده رنگی طوری روی سند ریخته شود که کلیه سند سیاه شود و قابل خواندن و استفاده نباشد، عمل مزبور منطبق با جعل سند نبوده و با ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی^۱ مربوط به اتلاف سند تطبیق خواهد نمود. پس می‌بینیم که منظور از عبارت «از اعتبار و استفاده انداختن سند» اگر منطبق با مورد اول فوق‌الاشاره باشد می‌تواند مشمول جرم جعل و تزویر در اسناد رسمی قرار گیرد ولی چنانچه منطبق با مورد دوم باشد به نظر ما عمل جعل نبوده بلکه از مصادیق تخریب و اتلاف سند به شمار می‌آید، در حالی که قانونگذار این عمل را در ماده ۱۰۰ قانون ثبت جرم جعل در اسناد رسمی محسوب نموده است. در شماره‌های آینده به بررسی هر یک از موارد سه گانه مذکور در شق پنجم ماده ۱۰۰ قانون ثبت می‌پردازیم.

ادامه دارد